▪ ویژه‌نامه شکوه حضور / ۱۳

مجلس مهم‌ترین جایگاه در امتداد رسالت مذهبی و دینی روحانیت

گفت‌وگو با عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی

مجلس باید شاهد حضور برخی از روحانیونی باشد تا جلوی خروج، مطابقت یا عدم مطابقت قوانین و شریعت را بگیرد. به نظر من قانون باید قبل از ورود به شورای نگهبان، پختگی را در انطباق بر شریعت پیدا کند؛ البته به‌شرط این‌که روحانیونی که روانه مجلس می‌شوند، کسانی باشند که بتواند جلوی آسیب‌هایی که متوجه مجلس است به خوبی بگیرد و مصوبات مجلس را با شرع و قانون تطبیق دهد.

اما بحث این است که چه کنیم تا معممین و روحانیون روانه مجلس می‌شوند تا بتوانند هم وظیفه حوزه انتخاباتی و مشکلات شهر و روستای‌شان را حل کنند و هم انتظارات نظام روحانیت را برآورده سازند و هم نقش بیشتری در فرآیند اسلامی‌سازی در حکومت دینی ایفا کنند. انتظار ما از یک روحانی طراز مجلس این است.

هفته‌نامه افق حوزه درخصوص انتخابات با دکتر عبدالوهاب فراتی عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی به گفت‌وگو نشسته که ماحصل آن را در متن پیش‌رو می‌خوانید.

مجلس یک ارتباط وثیقی با رسالت حوزوی یا رسالت دینی روحانیت دارد؛ چراکه تنها مجلس می‌تواند آن دارایی‌های روحانیت را برای اسلامی‌سازی حکومت خرج کند و نشان دهد.

طبیعتاً اگر روحانیت به قوّه قضائیه می‌رفت، این کار بزرگ انجام نمی‌شد؛ چون در قوّه قضائیه قوانین هست، احکام شرعی هست و یک قاضی بر اساس آن‌ها عمل می‌کند و یا در قوّه مجریه شاید بحث اسلامی‌سازی دولت یا حکومت مطرح نشود؛ اما آنچه که بیشتر تبلور پیدا می‌کند و دغدغه‌های روحانیت را بیشتر نشان می‌دهد، مجلس است. به‌همین دلیل مجلس، بزرگ‌ترین یا مهم‌ترین مکانی است که در امتداد رسالت مذهبی و دینی روحانیت قرار دارد. شاید به‌همین دلیل بود که حضرت امام‌ﷺ در ابتدای انقلاب که تمایل چندانی به حضور روحانیت در پست‌های دولتی نداشت، فرمودند که بروید و مجلس را دریابید. این اولاً اشاره به اهمیت مجلس از نگاه امام و ثانیاً نقش تأثیرگذار روحانیت در این نهاد دارد.

▫ در اینجا سؤالی مطرح می‌شود اینکه ما چه دسته‌بندی می‌توانیم، از حضور روحانیت در مجلس انجام دهیم؟

• به نظر من باید این پرسش را به اعتبارات مختلف پاسخ دهیم؛ یعنی ببینیم افراد و گروه‌هایی که نماینده شدند، به چه اعتباری روانه مجلس شدند:

۱. برخی از روحانیون که روانه مجلس شدند، به اعتبار حمایتی که برخی از تشکل‌های سیاسی از آن‌ها کردند، وارد مجلس شدند. یا به‌عبارت دیگر وابستگی برخی از روحانیون به تشکل‌های سیاسی در ایران، سبب اصلی روانه شدن آن‌ها به قدرت شده است.

۲. گروه دوم که من تصور می‌کنم، به این اعتبار روانه مجلس شدند، به‌خاطر اجتهاد و سواد و یا تحصیلات حوزوی و یا غیرحوزوی داشتن بوده است. مردم به‌احترام دانشی که آن‌ها داشتند، به آن‌ها رأی دادند و آن‌ها روانه مجلس شدند.

۳. گروه سوم به اعتبار دوری و نزدیکی‌شان به مراکز قدرت یا خاندان‌ها و یا بیوت قدرت روانه مجلس شدند؛ نه به‌اعتبار دانش و نه به‌اعتبار وابستگی حزبی که داشتند؛ مثلاً برخی از کسانی که از تهران روانه مجلس شدند، در واقع این‌ها قرابت‌های نزدیکی به ساختارهای قدرت داشتند و به مجلس رفتند.

۴. گروه چهارم به‌اعتبار رفتارهای اخلاقی، اصالت خانوادگی، عدم فساد مالی و اخلاقی و یا زهد و وارستگی‌شان مورد احترام مردم بودند و مردم تصور می‌کردند که ورود چنین افرادی به مجلس، می‌تواند بخشی از آمال‌ها و خواسته‌های آن‌ها را برآورده کند. این‌ها روحانیون پارسا و پاسخگویی بودند که به‌شدت مورد احترام مردم بودند.

۵. طبعاً گروه آخر هم، روحانیونی روانه مجلس شدند که ارتباطات اجتماعی قوی داشتند. سال‌های سال در میان مردم بودند، در غم و شادی مردم حضور داشتند و طبعاً از دانش‌های روز هم مطلع بودند. این‌ها بیشتر مربوط به روحانیون محلی بودند که در منطقه حضور داشتند و مردم در اثر ارتباط و اعتمادی که به آن‌ها داشتند، به آن‌ها رأی دادند و آن‌ها روانه مجلس شدند.

پس فعلاً بحث ما به اینجا رسید که ممکن است، کسانی که الآن بر کرسی مجلس نشسته‌اند، به‌اعتبارهای مختلف وارد شده باشند؛ اما نکته مهم من این است که حالا کسانی که در مجلس نشسته‌اند، دچار چه آسیب‌هایی هستند و حوزه در قبال این آسیب‌ها چه باید بکند؟

من ابتدا به دو آسیب اشاره می‌کنم و بعد به راه‌حل‌هایی که حوزه می‌تواند در پیش بگیرد برمی‌گردم.

الف) در صحبت قبل اشاره کردم که روحانیون به‌اعتبارهای پنج‌گانه وارد مجلس می‌شوند؛ ولی ظاهراً آن اعتباری که عرض کردم، مردم به‌خاطر حضورشان در محل و یا در منطقه و ارتباط وثیقی که با مردم دارند، آن نقش بیشتری در انتخاب شدن و روانه شدن آن‌ها به مجلس دارد. اگر از آن زاویه شروع کنیم، در واقع می‌توانیم در مورد آسیب بحث کنیم.

ببینید معمولاً روحانیونی که از شهرها یا شهرستان‌های کوچک روانه مجلس می‌شوند، در واقع مردم آن منطقه از روحانیونی که انتخاب می‌کنند، انتظار ندارند که برای آن‌ها قانون‌گذاری کنند. مردم از روحانی بیشتر انتظار دارند که لابی‌گری کند و مشکل آن‌ها را در محل حل کند؛ مثلاً پسرشان می‌خواهد سر کار برود، برای او کار پیدا کند و یا جاده روستای آن‌ها را آسفالت کند. مردم بیش از این به دنبال منفعت عام نیستند؛ البته شاید بگویید که این اشکال، اشکال همه نمایندگان در مجلس است؛ یعنی شخصی‌ها هم که روانه مجلس می‌شوند، مردم مطالبه قانون‌گذاری ندارند؛ ولی تفاوتی که یک شخص کت و شلواری با روحانی دارد، این است که مثلاً کت و شلواری قبلاً شهردار یا فرماندار بوده و راه رفع مشکل مردم را بلد است؛ اما یک روحانی بدون این تجربه در یک موقعیتی قرار می‌گیرد که باید این مطالبات را برطرف کند. به‌همین دلیل یک روحانی وارد یک بازی بسیار پیچیده و خطرناکی می‌شود که ممکن است، اصل هویت صنفی‌اش را تحت‌الشعاع قرار دهد. حالا اگر از این زاویه به رابطه و انتظار مردم از روحانی نگاه کنیم، پس یک روحانی که در محل به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شود، فقط کارکرد رفع حوائج پیدا می‌کند و وقتی روانه تهران می‌شود، کار اصلی یک روحانی ارتباط با وزراء برای حل مشکل وکلا در محل است؛ البته این فقط عیب روحانی نیست. عرض کردم که عیب همه است و از طرفی هم، عیب نمایندگی نیست؛ بلکه عیب ساختار است؛ یعنی در واقع ساختار قدرت در ایران به‌گونه‌ای چیده شده که وزراء نیازمند به رأی نماینده هستند، نه عقل آن‌ها؛ یعنی عقل‌شان را نمی‌خواهند که در رفع مشکلات بزرگ اقتصادی به آن‌ها کمک کند. این‌ها رأی نمایندگان را می‌خواهند و کاری با عقل آن‌ها ندارند؛ به‌همین دلیل وقتی نماینده‌ای وقت می‌گیرد و یا حتی وزیر را استیضاح می‌کند، بخشی از دلایل استیضاح او این است که به برخی از درخواست‌های این نماینده برای رفع نیازمندی‌های وکلایش پاسخ مثبت نداده است؛ یعنی می‌خواهم بگویم که عیب این ساختار فقط از طرف نماینده روحانی و غیرروحانی نیست؛ بلکه مشکل سیستمی هم وجود دارد که بعدا به آن اشاره می‌کنم. بنابراین ما باید به روحانیونی که به مجلس می‌روند، این نکته را تذکر دهیم که نقش شما در نمایندگی یا نقش شما در پارلمان حکومت دینی، فقط رفع نیازمندی‌های شخصی و گروهی موکلین شما نیست؛ بلکه شما رسالت بالاتری دارید و آن، جریان مساعدت به شرعی کردن امور یا شرعی کردن قوانین و دینی کردن زندگی مردم است.

پس جمع‌بندی ما برای آسیب اول این‌طور شد که روحانی که معمولاً در اثر ارتباطات اجتماعی‌اش برگزیده می‌شود و روانه مجلس می‌شود، او فقط به دنبال رفع نیازهای شخصی و جمعی موکلین است و رسالت قانون‌گذاری و رسالت ملی و فراملی برای خودش قائل نیست و ارتباط او با ساختار قدرت هم، از همین زاویه تحلیل می‌شود و یک رسالت بالاتری برای خودش ندارد.

ب) مشکل روحانیونی که به مجلس می‌روند، این است که آنها به‌خاطر این‌که فقه بلد هستند و تنها دانش تخصصی آن‌ها تسلط بر آموزه‌های فقه است، تصور می‌کنند که همه چیز بلد هستند و لازم است، نسبت به هر چیزی اظهار نظر کنند. شما وقتی وارد کمیسیون‌های تخصصی مجلس می‌شوید و به طرح یک بحثی می‌پردازید، خیلی از کسانی که تخصصی در آن بحث ندارند، اصلاً اظهار نظر نمی‌کنند؛ ولی کافی است که یک روحانی در کمیسیون حضور داشته باشد، امکان ندارد که اظهار نظر نکند. خب شما باید مرزهای دانش را بشناسید و به تخصص‌گرایی احترام بگذارید. صرف این‌که شما فقه خوانده‌اید، دلیل بر این نیست که در هر موضوعی که خارج از تخصص شما هم هست، اظهار نظر کنید.

عطف به این مشکل فعلی و مشکل دوم، شما اگر بررسی کرده باشید، متوجه می‌شوید که چرا وقتی روحانیون ما روانه مجلس می‌شوند، به کمیسیون‌هایی که در حوزه تخصص‌شان هست، وارد نمی‌شوند؛ مثلاً وارد کمیسیون‌های آموزش و پرورش، کمیسیون قضایی و کمیسیون فرهنگی نمی‌شوند و به کمیسیون کشاورزی و کمیسیون‌های اقتصادی و کمیسیون‌های برنامه و بودجه می‌روند.

▫ چراکمیسیون‌های قضایی ما در مجلس مورد استقبال روحانیون قرار نمی‌گیرند و برخی مواقع نمایندگان اقلیت‌های مذهبی روانه این کمیسیون‌ها می‌شوند؟

• جواب به این سؤال یک علت دارد و یک آسیب. یک علتش این است که روحانیون بر اساس اشکالی که در ابتدا گفتم که باید نیازهای حوزه انتخاباتی خودشان را پاسخ دهند، احساس می‌کنند، باید در کمیسیون‌هایی شرکت کنند که میزان چانه‌زنی و لابی‌گری آن‌ها را افزایش دهد و از آن طریق بهتر می‌توانند، حوزه انتخابی خودشان را مدیریت کنند؛ درحالی‌که دانش آن‌ها اقتضاء می‌کرد، روانه کمیسیون‌هایی شوند که مرتبط با حوزه تخصصی این‌ها است.

من فکر می‌کنم، این دو موضوع دو آسیب جدی به روحانیت در مجلس زده است.

اول این‌که کت و شلواری‌ها و مکلاها می‌گویند: این‌ها هم مثل ما، به دنبال دغدغه‌های لابی‌گری و رفع حوائج محیط حوزه انتخابی خودشان هستند و هیچ تفاوتی با ما ندارند. درصورتی‌که روحانیت باید علاوه بر پاسخ به مطالبات و خواسته حوزه انتخابی خودشان، یک اهداف بالاتری را در نظر بگیرند. انتظار ما از یک روحانی در مجلس، بالاتر از یک کت و شلواری است که مثلاً فرضا ریاضی محض یا شهرسازی خوانده است.

دوم اینکه ما انتظار داریم، روحانیت علاوه بر اینکه باید به دانش خودش احترام بگذارد، باید به تخصص دیگران هم احترام متقابل بگذارد و در هر حوزه‌ای ورود غیرکارشناسی نکند؛ چون مطالعات کنونی نشان می‌دهد، ورود غیرتخصصی روحانیون در مباحث غیرتخصصی خودشان، به مجموعه روحانیت صدمه زده است.

▫ حوزه در اینجا چه باید کند و چه وظیفه‌ای در قبال این جمع از نمایندگان دارد؟

• من فکر می‌کنم حوزه باید یک رسالتی برای خودش تعریف کند که به این دست از نمایندگان که ملبس هستند، آموزش‌های لازم را بدهد. ببینید تا الآن حوزه وزیر خارجه را به قم دعوت می‌کند، جامعه مدرسین، دبیر شورای عالی امنیت ملی را به قم دعوت می‌کند؛ حتی رئیس‌جمهور را می‌آورد، تک تک وزراء را هرازگاهی می‌آورد؛ اما تا حالا شنیده‌اید که مثلاً جامعه مدرسین یا آیت‌الله اعرافی از روحانیون حاضر در مجلس در دوره نهم دعوت کرده باشد و آن‌ها را به قم بیاورد و با آن‌ها گفت‌وگوی رو در رو بکند و بگوید: شما که در مجلس هستید، غیر از این‌که پیگیری‌های محلی می‌کنید، چه نسبتی با رسالت حوزوی ما دارید؟ من فکر می‌کنم، اولین اقدامی که باید مثلاً آیت‌الله اعرافی یا جامعه مدرسین بکند، دیدارهای دوره‌ای با نمایندگان روحانی در مجلس است؛ به کارکرد آن‌ها توجه کند و ببیند که در چه کمیسیون‌هایی هستند، حرف‌هایی را که در کمیسیون‌ها می‌زنند، مطالعه بدوی کند، آن‌ها را بررسی کند و ببیند که آیا این‌ها واقعاً نمایندگی حوزه را دارند یا ندارند؟ این توصیه که مربوط به کل چهار سالی است که نمایندگان روحانی در مجلس حضور دارند.

لزوم آموزش‌های تخصصی به روحانیون منتخب مجلس

من یک پیشنهاد متقدم‌تری هم دارم. تاریخ دقیق انتخابات۱۱ اسفند است. خب معمولا تا سیزدهم مشخص می‌شود که چه کسی برنده و چه کسی بازنده است. تشکیل مجلس بعدی فکر می‌کنم، به اوایل خرداد موکول می‌شود و در این میان، چند ماه فاصله است. پیشنهاد من این است که حوزه یا جامعه مدرسین،روحانیونی را که در دوره جدید برگزیده شده و روانه مجلس می‌شوند، در این فرصت در قم یا در شهر دیگری جمع کند و به آن‌ها آموزش‌های تخصصی بدهد؛ مثلاً آموزش برنامه‌ریزی بدهد، آموزش قانون‌گذاری بدهد، مشکلات موجود در مجلس را به آن‌ها یادآوری کند، آگاهی‌های قانونی و اطلاعاتی بدهد که حداقل این ۱۰-۱۵ نفری که به‌عنوان ملبسین در مجلس حضور دارند، از حوزه و روحانیت آبروداری کنند.

من در پرانتز عرض کنم که مثلاً در برخی از کشورهای اروپایی، چون احزاب لیست می‌دهند و لیست‌شان روانه مجلس می‌شود، این حزب می‌داند که این ۳۰ کرسی در پارلمان آینده مال آن‌هاست. از همان ابتدا طی ۲ سال به نمایندگان و افرادی که قرار است، این کرسی‌ها را پر کنند، آموزش‌های حقوقی و سیاست خارجی آموزش می‌دهند. اگر نهادهای متولی حوزه به این موضوع توجه نکنند، چند اتفاقی می‌افتد؟ روحانیونی که بی‌تجربه هستند و یا سواد اندکی دارند، به‌جای این‌که در مجلس تأثیرگذار باشند، بی‌تأثیر می‌شوند و تبدیل به بازی در احزاب و جناح‌های سیاسی می‌شوند. درحالی‌که قرار بود، طبق فرمایشات امام‌ﷺ، روحانیون در عرصه حکومت‌داری وارد احزاب نشوند؛ بلکه نسبت به احزاب سیاسی پدری کنند و یا حداقل برادربزرگی کنند و تبدیل به برادر کوچک و بازی در آن احزاب نشوند.

اگر نهادهای متولی حوزه بتوانند، آموزش‌های لازم را به روحانیون منتخب مجلس بدهند، آنها می‌توانند، نقش بیشتری در روند قانون‌گذاری در ایران انجام دهند و موجب تسهیل حکمرانی در ایران شوند و در نهایت جلوی بی‌برنامگی، خلأهای علمی، تجربی و تخصصی آن‌ها را بگیرند و از طریق آموزش و مراودات مستمر این نقیصه را رفع کنند.

ضرورت حضور روحانی در مجلس

اولاً حضور در انتخابات یک حق شهروندی است؛ یعنی بر اساس دموکراسی، اگر یک دانشگاهی می‌تواند، در انتخابات شرکت کند و به‌عنوان منتخب روانه قدرت شود، خب روحانی هم، به‌عنوان شهروندی صاحب این حق هست؛ یعنی توصیه به ترک این حق، خلاف اصول دموکراسی است. این یک دلیل است.

دوم اینکه به نظر من، حتماً مجلس باید شاهد حضور برخی از روحانیون در درون خودش باشد؛ چون اگر نباشد، کسی تسلط بر فقه ندارد، کسی نمی‌تواند جلوی خروج، مطابقت یا عدم مطابقت قوانین و شریعت را بگیرد.

به نظر من قانون باید قبل از ورود به شورای نگهبان، پختگی را در انطباق بر شریعت پیدا کند؛ البته به‌شرط این‌که روحانیونی که روانه مجلس می‌شوند، کسانی باشند که آسیب‌هایی که گفتیم را نداشته باشند؛ و الّا اگر مثلاً روحانیون کم‌سواد و بی‌تجربه روانه مجلس شوند و آنجا هم به‌جای این‌که تأثیر بگذارند، تبدیل به بده و بستان احزاب و فراکسیون‌های قدرتمند در مجلس شوند، در این صورت اگر نروند، بهتر است.

ولی بحث این است که چه کنیم کسانی که به‌عنوان ملبسین، معممین و روحانیون روانه مجلس می‌شوند، بتوانند هم وظیفه حوزه انتخاباتی و مشکلات شهر و روستای‌شان را حل کنند، دوم این‌که انتظارات نظام روحانیت را برآورده کنند و سوم این‌که نقش بیشتری در فرآیند اسلامی‌سازی در حکومت دینی ایفا کنند. انتظار ما از یک روحانی طراز مجلس این است؛ والّا اگر قرار است، برود و مثل بقیه نمایندگان به آسیب‌های نمایندگی و آسیب‌های ساختار قدرت مبتلا شود؛ یعنی فقط کار لابی‌گری کند، فقط کار پیدا کردن شغل و وام و کار برای این و آن را انجام دهد و رابطه او با نهادهای قدرت فقط تأمین این لابی‌ها باشد، به نظر من، این در شأن و منزلت روحانیت نیست و روحانیت باید خودش را از این فضا منسلخ کند.

▫ آیا در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی این انتظار برآورده شد؟

• البته ببینید ما نمی‌خواهیم بگوییم که روحانیونی در چنین طرازی وجود نداشته‌اند؛ ولی من احساس می‌کنم، هرچه جلوتر آمدیم، از آن روحانی نماینده طراز فاصله گرفتیم. ما باید روحانیونی را برای مجلس انتخاب کنیم که بتوانند، این سه سطح را برآورده کنند. حتی به نظر من مثلاً جامعه مدرسین در انتخاب کسانی که حداقل از قم انتخاب می‌کند و حمایت می‌کند، روحانیونی باشند که از این سطح از طراز برخوردار باشند؛ و الّا من می‌خواهم بگویم که اگر روحانی با این مختصات روانه مجلس نشود، هیچ تفاوتی با الباقی و همین‌طور هیچ تفاوتی با نبودنش هم ندارد؛ البته ما نمی‌خواهیم به نمایندگان غیرروحانی جسارت کنیم. آن‌ها هم طبیعتاً باید نمایندگان طرازی باشند که مورد انتظار ما هستند؛ اما ما فعلاً به‌صورت تخصصی راجع به طیفی صحبت می‌کنیم که این لباس و این عمامه، سطوح انتظار از آن‌ها را افزایش داده است.

انتخابات و نقش مردم در کارآمدی حکومت

....ادامه از صفحه قبل

و در نتیجه می‌تواند در جهت بهبود عملکرد و کارآمدی آن گام بردارد و در نهایت، یکی از اموری که به تقویت، دوام و استمرار حکومت کمک می‌کند، مشارکت فعالانه در انتخابات مختلف است و به‌همین دلیل امام خمینی‌رحمه‌الله همواره بر وجوب مشارکت در انواع انتخابات تأکید داشتند؛ از جمله می‌فرمودند: «یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی (است) که کشور به آنها احتیاج دارد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۸، ص ۳۳۶)؛ «به زن و مرد و آن کسی که به‌حد رأی دادن قانونی رسیده، واجب است ... رأی بدهند ... باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۵، ص ۲۸).

۴. انتخابات، بارزترین مظهر حضور مردمی و عامل اعتبار و اقتدار ملّی

از جنبه‌های سیاسی و آثار سیاسی هم، برگزاری انتخاباتی پرشکوه و با حضور پرشور مردم برکاتی دارد؛ لذا انتخابات هرچه پُرشورتر و با اقبال عمومی بیشتری همراه باشد، آثار و منافع بیشتری برای کشور خواهد داشت. یکی از برکات حضور مردم در صحنه انتخابات این است که پشتوانه مردمی نظام را نشان می‌دهد: «این، در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و اقتدار کشور تأثیر بی‌نظیری دارد؛ یعنی هیچ چیزی، هیچ ابزار قدرتی به‌اندازه حضور مردم، قدرت‌افزا برای کشور نیست.» (مقام معظم رهبری ۱۴۰۰/۳/۲۶). گرچه ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی برای کشور قدرت‌افزا و قدرت‌زاست؛ «امّا هیچ‌کدام به‌اندازه حضور مردم نیست؛ حضور مردم، نظام جمهوری اسلامی را به‌معنای واقعی کلمه قدرتمند می‌کند.» (مقام معظم رهبری ۱۴۰۰/۳/۲۶). حضور و مشارکت مردم در انتخابات از لحاظ بین‌المللی نشان‌دهنده اقتدار ملی و ابهت بین‌المللی آن‌هاست: «از جهت وجهه خارجی انتخابات و حضور مردم و مشارکت مردم، نشان‌دهنده اقتدار ملّی است... وقتی همه احساس کنند، در دنیا - دشمن و دوست- که این ملّت هوشیار است، بیدار است، سرِ پا است، عازم است، پُرانگیزه است، این کشور یک اقتداری، یک هیبتی در چشم همه پیدا می‌کند؛ چه دوست و چه دشمن.» (مقام معظم رهبری ۱۴۰۰/۱/۱) و «هرچه صندوق‌های رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت.» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). در حقیقت یکی از راه‌های مهم قوی شدن ایران، مشارکت در انتخابات است: «ما باید تلاش کنیمف کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملّتی که می‌بیند، دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راه‌کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوّت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است؛ این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلّماً ایران قوی، بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری‌خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. ... ملّت هستند که این قوّت را به کشور می‌بخشند و حضور ملّت و مشارکتشان هم- اصل مشارکت‌شان، اندازه مشارکت‌شان- مسلّماً در این قوّت ملّی تأثیر دارد.» (مقام معظم رهبری ۱۴۰۰/۱/۱).

بنابراین انتخابات «مؤثرترین وسیله برای این است که هر فردی بتواند، آرمان‌ها و خواست‌ها و مطلوب خود را در قالب اجرایی قرار دهد و آن را به تحقق نزدیک کند... کسی که فکر می‌کنید، برای تحقق خواست‌ها و آرزوها و گشودن گره‌های مهمی که برای شما در زندگی مطرح است، مناسب و شایسته است، وقتی او را انتخاب کردید، در واقع بلندترین قدم را برداشته‌اید، برای اینکه این مشکلات از بین برود.» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۴/۲/۱۱).

• منابع

- امام خمینی، صحیفه امام ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸؛
- امام خمینی، صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱؛
- حییم، سلیمان، فرهنگ حییم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۲؛
- نظرپور، مهدی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم؛ نشر معارف، ۱۳۹۸؛
- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات چاپار، تهران، ۱۳۷۹؛
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.